

## علم دینی از نگاهی دیگر

### مصاحبه با خبر گزار نسیم

#### حمیدرضا آیت اللهی

موضوع علم دینی و چگونگی و چیستی آن مسئله‌ای است که در سال‌های اخیر و در پی تاکید مقام معظم رهبری بر تحول علوم انسانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. برخی معتقدند علم دینی امری تحقق‌ناپذیر است و برخی دیگر معتقدند علم دینی در حال تحقق و شکل‌گیری است. برای بررسی بیشتر ابعاد مختلف این مسئله خبرنگار «نسیم» به سراغ حمیدرضا آیت اللهی، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس سابق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رفته تا در گفتگویی تفصیلی به بررسی ابعاد مختلف این مسئله بپردازد. آنچه از نظر می‌گذرانید مشروح این گفتگو است.

نسیم: علم دینی چیست و اساساً چرا جامعه ایران درگیر چنین امری شده است؟

**آیت اللهی:** مسئله را به ۲ طریق می‌توان مطرح کرد؛ یکی به این صورت که چرا مسئله علم دینی در مملکت ما مطرح شد؟ به نظر من دلیل آن این است که نارسایی‌هایی که در علم غربی در جامعه ما بود، دیده می‌شد؛ این نارسایی‌ها نارسایی‌های ارزشی بود، القاء یکسری ارزش‌های غربی را می‌کرد که با ارزش‌های دینی ما ناسازگار بود.

ممکن است مسئله فوق‌الذکر سبب عنوان این سوال شود که چرا باید تابع ارزش‌های غربی باشیم؟ می‌توانیم در خصوص علم به گونه‌ای فکر کنیم که این چنین مسائل ارزشی در آن نباشد البته مخالفین نیز ادعان داشتند که علم فاقد ارزش است و ارزش‌مدار نیست که بخواهد دینی یا غیردینی باشد.

از آن طرف شما با یک واقعیت‌هایی در تقابل نوع نگاه غربی با برخی از شرایط فرهنگی جامعه می‌شوید و از طرف دیگر با این مواجه می‌شوید که آیا علم می‌تواند این گونه باشد یا خیر؛ وقتی این مسئله مطرح می‌شود بحث بر این است که آیا علم بدون پیش‌داوری است یا پیش‌داوری هم دارد؟

این خود در فلسفه علم بحث می‌شود که علم یکسری پیش‌داوری‌ها دارد و می‌تواند پیش‌فرض‌های نظریه‌ای بر آن حاکم باشد؛ در نتیجه موضوعی تحت عنوان پیش‌فرض‌ها در علم مطرح شد؛ این پیش‌فرض‌های مطرح شده حتماً باید دین باشد؟ خیر، می‌تواند فرهنگ‌های مختلف نیز باشد، چهارچوب‌های فکری مختلف دیگری نیز باشد و حتی می‌تواند بسیاری از مسائل دیگر نیز در آن دخالت داشته باشد.

آیا علم می‌تواند متأثر از یک فرهنگ، یک طرز تفکر یا یک موضوع خاص باشد؟

بنابراین شما می‌توانید هم با علم دینی، هم علم ایرانی و هم علم مربوط به یک فرهنگ خاص صحبت کنید؛ یک بحث نظری نسبت به این موضوع می‌تواند به وجود بیاید؛ این بحث نظری می‌تواند این موضوع را مطرح کند که آیا علم می‌تواند متأثر از یک فرهنگ، یک طرز تفکر یا یک موضوع خاص باشد و در پارادایم آن قالب غربی نباشد؟ این مسئله یک بحث علمی می‌شود.

افرادی برای این که نشان دهند طرز تفکر اسلامی نیز حائز اهمیت است، شروع کردند به طرح موضوعی تحت این عنوان که علم با تفکر اسلامی چگونه می‌تواند باشد؟ متأسفانه تعداد بسیاری از آن شعار شد؛ به جای اینکه بحث علمی باشد، این که تعیین شود علم چگونه می‌تواند دینی شود و چگونه می‌توانیم این اقدام را انجام دهیم، بحث شعاری شد؛ بحث کوباندن علم غربی و یا اینکه علم اسلامی باید اینگونه باشد، شد.

این موضوع سبب شد این مسئله در روال خود قرار نگیرد؛ در نتیجه شما می‌بینید به طور مرتب مقالات و کتاب‌های مختلف نوشته می‌شود و به جای این که از چگونگی علم دینی و مکانیزم به کار بردن علم دینی صحبت شود، در مذمت علم غربی و تشویق علم دینی صحبت می‌شود و این امر به صورت خطابی است؛ از این جهت در وادی بحث‌های شعاری قرار می‌گیرد.

در بحث‌های شعاری که قرار گرفت نتیجه آن می‌شود که ۲۰ سال فقط حرف می‌زنیم که فلان شخص گفت علم دینی باید این گونه باشد، می‌گوییم شما الان یک کتاب علمی و فیزیک درست کنید که دارای این خصوصیت باشد؛ می‌گوییم در زمینه جامعه‌شناسی و روانشناسی بنویسید که دارای این خصوصیت باشد.

متأسفانه برخی عجله کردند و می‌خواستند زود علم را دینی کنند

تلاشی در این زمینه صورت گرفت ولیکن دچار یک سری آفت‌ها شد به عبارت دیگر به جای این که خوب تجزیه و تحلیل کنیم که چگونه می‌توان چنین کاری انجام داد، از سوی برخی عجله صورت گرفت و می‌خواستند زود علم را دینی کنند؛ یک علم را انتخاب می‌کردند و تعدادی روایت و آیه به آن وارد می‌کردند و بعد سخنان غربی‌ها را بیان می‌کردند.

برخی در تلاش برای تحقق علم دینی به اشتباه به تقدیس علم غربی پرداختند

آیه و روایت را می‌آوردند که این مسائل در آیات و روایات نیز عنوان شده است؛ به این شیوه نه تنها علم دینی نمی‌شد بلکه علم غربی تقدس می‌یافت؛ علم غربی که تا کنون بد بود حال به واسطه آیات و روایات مقدس هم شد، در حالی که سخن همان سخنان غربی‌ها است؛ این یک معضلی در جامعه ما است.

متأسفانه افرادی که در این زمینه‌ها همواره به صحبت کردن مشغول هستند ما را گرفتار این معضلات می‌کنند؛ سؤال بعدی این است که چه کسانی متوجه می‌شود؟ اگر کسی بیاورد در مقابل این افراد بایستد در ابتدا همه فحش می‌دهند و می‌گویند از علم غربی طرفداری می‌کند.

**نسیم:** مکانیزم و روند علمی در مسئله تحقق علم دینی اتفاق نمی‌افتد؟

**آیت اللهی:** دقیقاً؛ برخی اندیشمندان همانند دکتر خسرو باقری مکانیزم علمی تهیه کردند؛ وی تلاش داشت نظریه خود را مدون کند و جالب این است در زمینه روانشناسی به کار و تحقیق نیز مشغول شد؛ کتابی تحت عنوان علم دینی نگاشت و ساختار نوع نگاه خود را در علم دینی بیان کرد و سعی کرد این کار را اجرایی کند.

یک فرد فهمیده باید بتواند این چنین اقداماتی انجام دهد، نه این که مرتب مسائل را مطرح کنند به خصوص افرادی که نه فلسفه علم و نه خود علم را زیاد می‌دانند، تنها اقدام او این است که به هر کسی که در این زمینه صحبتی می‌کند، تهمت بزند؛ در این فضا هیچ گاه سخن علمی نمی‌تواند بروز کند چرا که بستر مناسب نیست.

**نسیم:** این مکانیزم در بستر زمانی طولانی اتفاق می‌افتد؟

**آیت اللهی:** من می‌گویم بله، ما در جامعه خود می‌توانیم علم، روانشناسی دینی، جامعه‌شناسی با نگاه اسلامی و... داشته باشیم؛ من به جامعه‌شناسی اسلامی اعتقاد ندارم بلکه منظور جامعه‌شناسی با نگاه اسلامی، با نگاه ایرانی است.

من در یک کشور آفریقایی یا هندی این مسئله را مطرح می‌کنم، آیا می‌توانم از ریاضیات هندی صحبت کنم؟ این بحث منطقی می‌طلبد و بر اساس آن بحث منطقی، این موضوع را مطرح می‌کند که آیا می‌شود چنین کاری کرد یا خیر؛ به دو صورت می‌توان این مسئله را انجام داد.

به طور مثال من می گویم می توان فیزیک ایرانی، فیزیک اسلامی داشت؛ این به معنای این نیست که اکنون این فیزیک را داریم، بلکه می توانیم داشته باشیم به شرط اینکه افرادی به پروراندن ایده‌ها مبادرت ورزند و زمانی که به حدی از رشد رسید، مطرح شود؛ تا زمانی که پادایمی به نام علم اسلامی شکل گیرد.

برخی گمان می کنند که علم دینی یعنی یک فرد از پیش، چهارچوب‌های دینی مشخص کند و بگوید علم دینی باید این گونه باشد، بعد از مشخص کردن چارچوب ها علم اسلامی را بسازد؛ کار بسیار طاقت‌فرسایی است و کسی هنر این کار را ندارد.

اگر علم اسلامی صورت‌های مختلفی داشته باشد، علم ایرانی هم می تواند صورت‌های مختلف داشته باشد

آن چه من از علم اسلامی و علم ایرانی می فهمم این است که عالمان ایرانی-اسلامی با نگرش اسلامی ایده‌های اسلامی را مطرح کنند؛ جالب این است که من از مطرح کردن همه نوع آن ابایی ندارم؛ چراکه اگر علم اسلامی صورت‌های مختلفی داشته باشد، علم ایرانی هم می تواند صورت‌های مختلف داشته باشد ولی کل این مجموعه یک علم اسلامی می شود.

چطور جامعه شناسی فرانسوی دارید، ما هم می خواهیم جامعه شناسی ایرانی داشته باشیم

سفیر استرالیا به پژوهشگاه آمده بود و پرسید علوم انسانی ایرانی- اسلامی به چه معنا است؟ به او گفتم جامعه شناسی فرانسوی و جامعه شناسی آمریکای یکسان است؟ گفت خیر؛ به او گفتم چطور جامعه شناسی فرانسوی دارید، من هم می خواهم جامعه شناسی ایرانی داشته باشم.

فلسفه تحلیلی انگلیسی با فلسفه قاره‌ای اروپایی کاملاً متمایز از هم هستند؛ کسی که فلسفه قاره ای را ایجاد کرده است از ابتدا بیان کرد که این فلسفه باید این گونه باشد تا نهایت جریان فلسفی شود؛ مجموعه نگاه فلسفی افراد فلسفه قاره ای را ایجاد کرده است؛ متأسفانه در جامعه ما کسی نگاه این چینی ندارد و این معضل بزرگی است.

علوم انسانی اسلامی یعنی چه؟

علوم انسانی اسلامی یعنی چه؟ علوم انسانی با رویکرد اسلامی یعنی تعدادی از عالمان مسلمان مقاله و کتاب بنویسند و بعد می توانیم مجموعه این نگاه ها را نگاه اسلامی نامید؛ این مسئله در نگاه ایرانی، فرانسوی، آمریکایی و... نیز وجود دارد و مطرح می شود.

نگاه آمریکایی در رشته های مختلف به شدت پراگماتیسمی است؛ آن ها به گونه ای نگاه می کنند که در عمل از آن بهره ببرند در صورتی که نگاه اروپایی این گونه نیست و اروپائی ها بسیار عمیق تر نگاه می کنند و زیاد به کاربرد توجه ندارند؛ این مجموعه طرز تفکر است و دال بر این نیست که در آمریکا هیچ کسی آلمانی نمی اندیشد و در آلمان هیچ کسی پراگماتیسمی نمی اندیشد.

افراد باید بتوانند تک تک ایده های اسلامی را در مطالب مختلف علوم مطرح کنند؛ ایده هایی که جزم بی جهت نباشد، بلکه ایده ای باشد که نوآوری داشته باشد تا دیگران بفهمند از چه جهتی اسلامی است.

**نسییم:** این همان کرسی های نظریه پردازی است؟

نظریه زمانی متولد می شود که مقبول و یا حتی مغضوب جامعه علمی واقع شود

**آیت اللهی:** نه، اصلاً؛ کرسی های نظریه پردازی تنها کرسی نیست؛ کرسی نظریه پردازی اگر بخواهد به صورت فرمالیستی باشد، دو ناقد باشد، باید توجه داشت که هیچ نظریه ای اینگونه متولد نشده است؛ نظریه زمانی متولد می شود که مقبول جامعه علمی واقع شود و حتی می توان گفت مغضوب واقع شود یعنی نظریه وقتی نظریه است که چهارتا فحش به آن بدهند و نسبت به آن واکنش نشان دهند؛ لذا به کرسی های نظریه پردازی با سیستم فرمالیستی اعتقاد ندارم.

من به شخصه رسالت خودم را برای علم دینی این دیدم که تمام کسانی که اندیشه نوآوری خاصی ارائه کردند و مقاله علمی نوشتند، را جمع آوری کنم تا در یک تداول قرار دهم؛ لذا به ساختن پرتال جامع علوم انسانی دست زدم؛ پرتال جامعه علوم انسانی تمام دیدگاه های مختلف را در یک موضوع خاص جمع کرد، این خود نوعی نگاه است؛ این نگاه باید در جامعه جریان پیدا کند و هنگامی که جریان پیدا کرد به اینجا می رسد که ما یک اندیشه صدرایی داریم.

باید پدیدارهایی که از علم اسلامی داریم، بروز دهیم

لذا اصطلاحاً این نوع نگاه را پدیدار شناسانه می نامند؛ به این معنا که پدیدارهایی که از علم اسلامی داریم، را بروز دهیم؛ از مجموع این پدیدارها به نتیجه‌ای به نام علم اسلامی دست یابیم؛ گاهی این امر موفق نمی‌شود و گاهی موفق می‌شود؛ به طور مثال شاید جامعه شناسی هلندی نداشته باشید و هلند نتوانسته یک جامعه شناسی برای خود ایجاد کند یا آموزش زبان سوئدی دارید ولی ایتالیایی آن را ندارید، این مسئله به تمام اندوخته علمی که دانشمندان به وجود آوردند، باز می‌گردد.

در مرزهای دانش نمی‌توان فرمایشی علم تولید کرد

در مرزهای دانش نمی‌توان فرمایشی علم تولید کرد؛ بسیاری در این مملکت دنبال این هستند که فرمایشی علم تولید کنند؛ در واقع همه علم می‌سازند، برای خود فکر کردند که از ایده‌های اسلامی یا از جاهای دیگر بهره بگیرند و با هم مطابقت دهند تا بتوانند از آن استفاده کنند.

سؤال این است که اکنون علم کجای نظریه علمی مطرح است؟ اگر بگویند کرسی نظریه پردازی راه بیندازید، من می‌گویم به جای کرسی نظریه پردازی، افرادی که نظریه دارند نظریه‌های خود را به همه اطلاع دهند تا در جوامع علمی مورد توجه قرار گیرند؛ من افرادی را می‌شناسم که در کرسی نظریه پردازی خود را اعلام کرده است ولیکن بعد از گذشت ۵ سال از آن کرسی کسی از نظریه او استفاده نکرده است.

نظریه باید مرتب مورد نقد، تحلیل، بررسی، استفاده و نگاه قرار گیرد

نظریه‌ای که از آن استفاده نشود به درد نمی‌خورد؛ نظریه باید نظریه‌ای باشد که مرتب در تداول قرار گیرد، مرتب مورد نقد، تحلیل، بررسی، استفاده و نگاه قرار گیرد؛ حتی اگر یک نظریه غلطی باشد ولیکن چنین نظریه‌ای نظریه می‌شود؛ زمانی که سخنان فروید در جریان قرار می‌گیرد نظریه فرویدی می‌شود.

اگر بخواهیم نظریات اسلامی بروز پیدا کند باید مجال نشر فوری و زیاد اندیشه اندیشمندان مسلمان را فراهم کنیم

اگر ما می‌خواهیم کاری کنیم که نظریات اسلامی در رشته‌های مختلف بروز پیدا کند باید مجال نشر فوری و زیاد اندیشه‌های اندیشمندان مسلمان را فراهم کنیم تا زمانی که دانشجوی می‌خواهد نگاه کند، بداند که افراد در این موضوع چه چیزهایی گفته‌اند و بعد آن بتواند یک قدم دیگری بردارد.

این که بر فرض من یک نظریه دادم و کسی از آن استفاده نکرد، فایده‌ای ندارد؛ به طور مثال اگر شما یکسری طلا بگیری و در خانه بگذاری هیچ فایده‌ای ندارد، طلا وقتی ارزش دارد که بیشترین گردش را در اقتصاد داشته باشد؛ می‌گویند وقتی اقتصاد ارزش دارد که بیشترین پول در جریان باشد.

حتی افرادی که علیه علم دینی اظهار نظر می‌کنند بخشی از علم اسلامی هستند چرا که آنها جریان علم اسلامی را زنده نگه می‌دارند؛ این علم اسلامی می‌شود و علمی است که در آن نقدها وجود دارد همان گونه که فلسفه قاره‌ای فلسفه‌ای است که در آن یک سری افراد آن را تخریب کردند؛ تلقی ما از علم باید این تلقی باشد.

**نسییم:** پس می‌توان نتیجه گرفت که علم اسلامی به معنای اسلامیزه کردن علوم نیست؟

**آیت‌اللهی:** باید یکسری افراد امکان پیدا کنند تا بتوانند در این وادی‌ها هم نظریه‌پردازی کنند، هم در یک وادی هم و غم پیدا کند؛ اگر این کار را نکنیم جامعه ما ۲۰ سال دیگر هم فقط حرف می‌زند و به جایی نمی‌رسد؛ نباید این گونه باشد که فردی متولی علم اسلامی باشد و بگوید این علم اسلامی است و فلان علم اسلامی نیست؛ می‌تواند نقد کند که نگاه فرد به علم اسلامی چه اشکالاتی دارد.

می‌توان از ابتدای سخن حرفی از خدا و... زده نشود ولیکن علم اسلامی باشد و بالعکس؛ این منوط به این نیست که از پیش، به صورتی خاص یکسری افراد بگویند علم باید این گونه باشد؛ برخی دستور می‌دهند و می‌گویند جامعه‌شناس‌ها باید این گونه باشند؛ نمی‌توان به فرد جامعه‌شناس دستور داد به چه شیوه‌ای فکر کند.

من نظریه خاصی در خصوص علم دارم هر چند هنوز نتوانستم آن را بیروانم؛ من از توماس کوهن استفاده کردم؛ توماس کوهن قائل است به این که وقتی علمی بروز می‌کند، بعد از مدتی آن علم منسوخ می‌شود و علم دیگری می‌آید، با بروز علم جدید علم قبل را نمی‌تواند درک کند؛ چرا که شرایط متفاوت است.

توماس کوهن عبارتی به نام انقلاب‌های علمی به کار می‌برد؛ انقلاب‌های علمی به این معنا است که در شرایطی که یک نظریه علمی جا افتاده، بعد از گذشت مدت زمانی با مشکلاتی مواجه می‌شود؛ نیمی از دانشمندان اعتراض می‌کنند، اعتراض‌ها سرکوب می‌شود؛ زمانی که تعداد این اعتراض‌ها افزایش یابد شورش علمی به وجود می‌آید.

اگر قدرت اجتماعی داشته باشند می‌توانند تمام آن افرادی که با آن‌ها مخالفت می‌کردند، را از میدان بیرون کنند و شرایط جدید ایجاد سازند؛ انقلاب یعنی یک حکومت می‌رود و حکومت جدید می‌آید؛ شما در پارادایم خود نمی‌توانید مقایسه انجام دهید و بیان کنید پارادایم من بهتر است چرا که شرایط خاص شما است.

توماس کوهن می‌گوید این طرز تفکر در تاریخ اتفاق افتاده است و به ترتیب پارادایم‌ها پشت سر هم می‌آیند، انقلاب‌های علمی به ترتیب اتفاق می‌افتند؛ من می‌گویم چرا این پارادایم‌ها باید تاریخی باشد؟ نمی‌تواند جغرافیایی باشد؟ یک پارادایم فرانسوی وجود دارد، این پارادایم در جامعه‌شناسی به معنای پارادایم اروپایی است؛ من می‌توانم در کشور دیگر همانند هند یا ایران این پارادایم را زیر سؤال ببرم.

زیر سوال بردن به معنای اعتراض است؛ کسانی که همراه آن طرز تفکر هستند با حرف من مخالفت می‌کنند و اعتراض من را سرکوب می‌کنند؛ اگر این اعتراض‌ها به اندازه‌ای برسد که بتوانند یک شورشی علیه آن علم شود پارادایم جدید به وجود می‌آید؛ این پارادایم جدید به عنوان یک پارادایم جدید ایرانی در جامعه‌شناسی بیان می‌شود؛ این فرآیندی اجتماعی و فرایند علمی منطقی است.

**نسیم:** به عبارتی دیگر علم را در بستر جامعه ایجاد می‌کنید؟

**آیت‌اللهی:** در فلسفه علمی به نام فلسفه اسلامی داریم؛ فرض می‌کنیم در جامعه‌شناسی نداشته باشیم، این اصطلاحاً انقلاب‌های علمی است که به صورت تاریخی و مداوم اتفاق نیفتاده است و در یک زمان در مناطق مختلف جغرافیایی اتفاق می‌افتد؛ چه زمانی می‌توان چنین چیزی را به وجود آورد؟ زمانی که قدرت مقابله داشته باشیم؛ وقتی بتوانیم انقلاب کنیم.

وقتی به انقلاب رسید آن گاه شما یک پارادایم به نام جامعه‌شناسی اسلامی، مدیریت اسلامی و... دارید؛ یکسری افراد می‌خواهند انقلاب و مبارزه کنند، در کنار آنها اشخاصی هستند که به آنها کمک می‌کنند به عبارت دیگر به آن‌ها اسلحه، پول و... می‌رسانند و باعث رشد انقلاب می‌شود.

باید سیستم نشر دانش خود را در جامعه با شتاب شروع کنم

در جامعه ما باید افرادی وجود داشته باشند که افراد دارای ادعاهای نو را تغذیه کنند و سبب بروز حرف‌ها و ایده‌های جدید شوند؛ این امر به این معنا است که سیستم نشر دانش خود در جامعه با شتاب شروع کنم، نشر دانش خود را در پارادایم‌های دیگر جدی کنم.



در حال حاضر علم غربی علم غالب دنیا است

به طور مثال اجازه دهند حرف‌های ما در فرانسه هم گفته شود؛ در حال حاضر علم غربی علم غالب دنیا است؛ در این علم وقتی صحبت و مقاله جدیدی ارائه می‌شود تمام دنیا از آن با خبر می‌شوند، در حالی که ما چنین اقدامی را انجام نمی‌دهیم؛ به این دلیل راه دیگری به غیر از این برای علم اسلامی نیست که افراد باید بتوانند در این زمینه‌ها کار بکنند و اگر این کار را انجام دهند آینده‌ای بسیار درخشان خواهیم داشت.

مقاله‌ای که شاید در طول مدتی که پژوهش شد ۲۰ بار هم دیده نمی‌شد، با پرتال ۲۴۰۰ بار دانلود شد یعنی این جریان پیدا می‌کند؛ معلوم است که اندیشمندان و دانشجویان جدید به طور مرتب این مقالات را استفاده می‌کنند، این جریان راه می‌افتد و راه دیگری برای این جریان وجود ندارد.

**نسییم:** بنابراین به این که علم دینی وجود دارد یا نه توجه نداشته باشیم و به تولید علم دینی مبادرت ورزیم؛ این امر در بستر زمان شکل لازم را پیدا می‌کند؛ همان گونه که مثلاً در ادبیات مقاومت حرف برای گفتن داریم.

**آیت‌اللهی:** شما ادبیات مقاومت را از قبل تعریف نکرده بودید و در بستر زمان خودش شکل گرفته است؛ کسانی می‌توانند در خصوص علم مورد نظر به طور مرتب نظر دهند ولیکن این امر در قالب ایجاد و ساخت علم نیست؛ مقالاتی که با این نگرش نوشته می‌شوند می‌تواند به علم اسلامی کمک کند.

**نسییم:** آیا اساتیدی که دغدغه مند به سراغ این مباحث بروند، وجود دارند؟

**آیت‌اللهی:** من حاضرم طی دو سال در تمام رشته‌ها به شما علم اسلامی آن رشته ارائه دهم؛ تنها کاری که خواهم کرد جمع‌آوری اطلاعات است؛ شما کتاب‌های انگلیسی را ببینید تنها مجموعه مقالات می‌باشد؛ تمام افراد مجموعه مقالات تهیه کردند.

به طور مثال فردی که می خواهد در مورد یک موضوع خاصی بنویسد به سراغ تمام مقالاتی که در آن زمینه باشد، می رود و آن ها را جمع آوری می کند؛ یک دانشمند اگر حرف جدی داشته باشد یک مقاله بیشتر نمی تواند بنویسد؛ اگر حرف دیگری داشته باشد دوباره یک مقاله دیگری می نویسد؛ غربی ها این کار را می کند و ما در مملکت خود این کار را نمی کنیم.

من این کار را در مطالعات زنان انجام دادم و کتاب هم چاپ شده است؛ در این زمینه تقریباً از اوایل انقلاب تا کنون تقریباً ۲۰۰۰ مقاله نوشته شده بود که آنها را چندین بار پالایش کردم تا در نهایت به ۲۰ مقاله رسیدم؛ ۲۰ مقاله در حیطه های مختلف مسائل مربوط به زنان و مطالعات زنان از دیدگاه اسلامی را مطرح کردم.

حرف دیگری غیر از مطالعات زنان با نگرش اسلامی عنوان نشده است؛ منظور از نگرش اسلامی نگرش اندیشمندان اسلامی است که به این موضوع از دیدگاه متفاوت نظر کردند؛ این کار را غربی ها از جمله راتلج، آکسفورد، کمبریج و ... انجام دادند؛ جالب این است که در خصوص موضوع واحد افراد متفاوتی مطلب و مقاله نوشتند؛ ما چنین سیاست هایی را در مملکت خود نداریم؛ سیاست ها در مملکت ما این است که حرف کلی و سریع و مداوم به دیگران تهمت زده شود.

**نسییم:** یکی از مسائلی که مطرح است این است که مثلاً دانشجویان جامعه شناسی می گویند ما اساساً چرا باید علوم و نظریات غربی را بخوانیم؟

**آیت اللهی:** یعنی ارزش پیش داورانه در مورد این ها قضاوت کردند. باید دقت کنند که منفعل نباشند بلکه فعال باشند و این اصل بحث من است؛ مسائل غربی را به عنوان یک وحی منزل نخوانند؛ من در آن مقاله هفت دلیل برای این کار آوردم؛ به شیوه ایی که من می گویم ۴ ماهه نیز نتیجه می دهد و جریان علمی را تقویت می کند.

**نسییم:** پس از مجموع صحبت های شما می توان استنباط کرد که برآورد شما از اوضاع و وضعیت تحقق علم دینی برآورد مثبتی است؟

**آیت اللهی:** از یک جهت مثبت و از جهتی دیگر منفی است.

**نسییم:** تغییرات سیاسی تا چه اندازه موثر است؟

**آیت الهی:** به شدت موثر است؛ علم در تغییر سیاسی بزرگ نمی‌شود؛ علم آن اصول یافته‌های علمی است؛ اگر افراد بخواهند در تغییر سیاسی حرف بزنند جز شعار، محکوم کردن یکدیگر و... نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود؛ در تغییرات سیاسی فردی می‌گوید فلان علم اسلامی است و دیگری او را محکوم می‌کند؛ افرادی خود را بالاتر از دیگران قرار می‌دهند و می‌خواهند در خصوص همه قضاوت کنند.

متأسفانه جریان سیاسی موضوع علم دینی را خراب کرده است و خراب‌تر هم خواهد کرد

وقتی قدرت دست یک نفر باشد، می‌گوید من تعیین می‌کنم چه علمی اسلامی است؛ افراد دغدغه‌مند وجود دارند ولیکن نمی‌دانند چه علمی اسلامی است؛ مجبور می‌شود یکی را به عنوان اسلامی قبول کند و دیگری را بکوبد؛ متأسفانه جریان سیاسی موضوع علم دینی را خراب کرده است و خراب‌تر هم خواهد کرد.

اگر دولت می‌خواهد پولی برای این کار خرج کند باید در جایی خرج کند که بگذارد حرف افرادی که حرف علمی و منطقی دارند، به دیگران برسد تا جریان و تداوم و تبادل پیدا کند؛ باید اجازه دهند این حرف علمی به صورت‌های مختلف اعم از کتاب، مقاله و... در بیاید و اگر این کار را انجام دهیم یقین حاصل کنید که بعد از مدتی نتیجه مطلوب حاصل می‌شود.

**نسیم:** آیا مخالفت با علم دینی منفعتی را به کسی می‌رساند؟

**آیت الهی:** منفعت روشنفکری است که برخی می‌خواهند این کار را انجام دهند.

**نسیم:** نباید حمایتی باشد؟

**آیت الهی:** نباید باشد؛ اتفاقاً من می‌گویم این موضوع حمایتی نیست و اجازه دهند یک شخص مخالفت کند؛ افراد مخالف با علم دینی سیاسی شده، مخالفت می‌کنند؛ اگر علم را سیاسی نکنیم علم دینی اتفاق می‌افتد؛ علم دینی سیاسی شده به طور یقین به نتیجه نمی‌رسد و مخالفان را افزایش می‌دهد.

برخی می خواهند به زور پول و... مقاله ای را خوب جلوه دهند که من نیز مخالف چنین فعالیت‌هایی هستم؛ برخی مقاله زحمت می کشند و مقاله زیبا می نویسند و در نهایت با مخالفت مواجه می شوند؛ با بایدها و نبایدها نمی توان علم اسلامی تهیه کرد؛ این موضوع دستوری نیست؛ به این دلیل برخی از امکان ایجاد علم دینی در کشور ما نا امید می‌شوند.

**نسیم:** برخی با ساختار و ذات این علم مشکل دارند. در نهایت حکومت مجبور است از این افراد حمایت کند.

وظیفه حکومت توزیع کردن اندیشه اندیشمندان مسلمان است

**آیت اللهی:** اگر ساختار آن علم سیاسی، قدرتی، حکومتی، دستوری، فرمایشی و... باشد یقیناً باید افرادی مخالفت کنند. خیر؛ من می‌گویم حکومت باید کمک کند تا مقاله، علم و... جدید در اختیار دیگران قرار گیرد حتی اگر حاکم مخالف این نظریه باشد؛ وظیفه حکومت توزیع کردن اندیشه اندیشمندان مسلمان است که نظریه‌پردازی‌هایی را انجام می دهند.

**نسیم:** اتفاقاتی هم چون پایان نامه های سفارشی، ترجمه کتاب ها و... چه موانعی را در روند علمی کشور ایجاد می کند؟

ما اخلاق علمی را نتوانستیم در جامعه جا بیندازیم

**آیت اللهی:** برخی این اتفاقات طبیعی است ولیکن مشکل عمده این است که ما اخلاق علمی را نتوانستیم در جامعه جا بیندازیم؛ گفتن اخلاق علمی یک چیز است؛ باید هم مرامنامه‌های اخلاقی این کار مشخص شود و هم بعد از این نحوه اعمال مرامنامه های اخلاقی باید صورت گیرد.

ما در مملکت خود چنین چیزی نداریم؛ البته من مرامنامه نشریات را در آوردم؛ تا زمانی که مرامنامه اخلاقی وجود نداشته باشد و بر اساس مرامنامه اقدامات حقوقی و جزائی مشخص نشود، این اتفاقات ادامه دارد؛ مقابله و مخالفت با یک فرد دردی را درمان نمی کند؛ باید مرامنامه‌های اخلاقی مشخص باشد، افراد به آنها پایبندی داشته باشند، از این مرامنامه ها اطلاع داشته باشند، بر اساس آن مرامنامه ها نظام‌های جزایی مشخص شود تا از این گونه اتفاقات جلوگیری شود.